

بررسی مشابهات لفظی قرآن کریم براساس رویکرد تاریخ ادبی هرمنوتیک زهره محققیان^۱

چکیده

امروزه یکی از رویکردهای نوین در نقد ادبی، رویکرد تاریخ ادبی هرمنوتیکی است که به جای سرگذشت مؤلف و متن، «تاریخ خوانندگان متن» یا «تاریخ ادبیات مخاطبان» را پیشنهاد می‌دهد. براساس این رویکرد، مورخ ادبی، کار خود را بیشتر بر شرایط درک و دریافت متن ادبی متمرکز می‌کند تا بر شرایط آفرینش آن و با این مینا، به نگارش سرگذشت یک متن پس از تولد و سپس به بررسی حرکت آن در طول تاریخ می‌پردازد.

از دیگر سو، دسته‌ای از آیات قرآن کریم هستند که از آن‌ها با نام مشابه لفظی (یا متشابهات لفظی) یاد می‌کنند؛ این آیات دارای الفاظ شبیه به هم بوده که از جهات مختلف با یکدیگر شباهتی سؤال برانگیز دارند. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که اینگونه آیات، در موقعیت‌های مختلف تاریخی چه نقشی بازی کرده‌اند و حضورشان در تاریخ، چگونه است؟ در حقیقت نسبت متن این آیات، با ذوق و سلیقه دوره‌های مختلف چگونه است؟ آیا متن این آیات، در گذر زمان، پرسش‌های مختلفی را طرح می‌کند؟ آیا نسل‌های مختلف در مکالمه با آن پرسش‌های تازه‌ای را مطرح نموده‌اند؟

بررسی تاریخ ادبی هرمنوتیکی آیات مشابه قرآن کریم، حاکی از آن است که مردمان هر دوره، با توجه به شرایط زمانی و مکانی خویش و نیز افق انتظاراتشان از متن مقدس قرآن کریم، مواجهه‌های مختلف با این آیات داشته‌اند و از آنجا رویکردها و خوانش‌های گوناگونی از این آیات، پدیدار شده است. نوشتار حاضر با بررسی نگارش‌های به دست آمده از این آیات، به معرفی انواع رویکردها در مواجهه با این آیات پرداخته و خوانندگان را بر مبنای نوع خوانشی که از این آیات دارند، دسته‌بندی نموده است.

کلیدواژه‌ها: آیات مشابه، متشابهات لفظی، مورخ ادبی، هرمنوتیک، تاریخ ادبی هرمنوتیکی.

مقدمه

نظریه ادبی با ظهور اندیشه‌های پدیدار شناسی و هرمنوتیک در فلسفه، به مباحث جدید پیرامون ماهیت معنا، دریافت آن و مخاطب متن پرداخت و از آنجا، ادبیات و متون ادبی در کانون مباحث فلسفه معاصر قرار گرفت. بطور کلی مباحث هرمنوتیک مدرن که در آرای هانس گئورگ گادامر، فیلسوف آلمانی و پل ریکور، فیلسوف فرانسوی مطرح شد، موجب تحولی شگرف در مباحث مربوط به معنای متن و مخاطب گردید. نظریه پردازان هرمنوتیک معتقدند که هر متن، به افق فکری مخاطب آن وابسته است که این افق فکری (یا افق شناخت) نیز، تاریخی است. در نظر آنان، لحظه شناخت، دارای اهمیت فراوان است. لحظه شناخت، موقعیتی خاص است که ذهن براساس طرحی از پیش مفروض، به آن می‌رسد. به این معنا، مخاطب از افق دانایی روزگار خود تأثیر می‌پذیرد و براساس شیوه درک و دریافت او، متن شکل می‌گیرد. بنابراین متن ادبی در یک گفتگوی تاریخی با خوانندگان و مفسران بی‌شمار شرکت می‌کند و معنا یا معنای آن در گذر تاریخ، تکثیر می‌شوند. براساس این نظرگاه، تاریخ ادبیات، تاریخ گفتگوی خوانندگان با متن ادبی بوده و روند ارتباط آنان و پیوستگی شان را با اثر ادبی در زمان‌های مختلف بررسی می‌کند (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۲۲-۱۱۵). تنها در چشم انداز تغییر افق است که تحلیل تأثیر ادبی به معیار تاریخ ادبی خوانندگان دست می‌یابد و منحنی های زیبایی شناختی تشخیص آثار ادبی پر مخاطب را فراهم می‌سازد (هارلند، ۱۹۹۹: ۲۱۰).

از دیگر سو، خوانش قرآن کریم به عنوان تنها متن ادبی برجای مانده از صدر اسلام، و سپس شیوه استنباط و دریافت مفاهیم آن، یکی از عمده چالش‌ها در میان اندیشمندان و قرآن پژوهان بوده است چراکه با دور شدن از فضای نزول این کتاب، فهم آن دچار ابهامات و شبهات بسیاری گردید و همین امر، اختلافات بسیاری را در میان قرآن پژوهان موجب گردید. در این میان، آیات مشابه قرآن کریم، که بخش نسبتاً زیادی از آیات این کتاب آسمانی را نیز تشکیل می‌دهند، مرکز ثقل بسیاری از مجادلات بوده و در طول تاریخ تا به امروز، نگاه های بسیاری را به خود جلب کرده و از آنجا نگارش ها و مکتوبات متفاوتی را از خویش به همراه داشته است. نوشته‌هایی که از همان زمان صدر اسلام تا به امروز، از این آیات برجای مانده؛ این پرسش را در اذهان آدمیان ایجاد می‌کند که نسبت این گونه آیات با ذوق و سلیقه دوره‌های مختلف چگونه است؟ چرا و بر چه اساسی، این گونه آیات در مقایسه با سایر آیات قرآن کریم، توجه عده بسیاری را به خود مشغول ساخته و نقش‌های مختلفی را در موقعیت‌های گوناگون تاریخی بازی کرده است؟ کانون مرکزی تاریخ ادبی این گونه آیات کدام است؟ در این راستا پژوهش حاضر بر آن است که با توجه به رویکرد هرمنوتیک جدید و نظریه تاریخ ادبی هرمنوتیکی، به بررسی مواجهه‌های مختلف مخاطبان ادوار مختلف تاریخی از این آیات پرداخته و

بعد از یافتن کانون مرکزی تاریخ ادبی این گونه آیات، افق‌های شناخت مخاطبان مختلف از این گونه آیات را در طول تاریخ تا به امروز بررسی نماید. بدین طریق می‌توان تفاوت این خوانش‌ها و عوامل مؤثر در فرآیند تحول و نوسان آن‌ها را نیز استخراج و بررسی نمود.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که نظریه تاریخ ادبی هرمنوتیکی، رویکردی نسبتاً جدید در راستای خوانش هرمنوتیکی متن است که کاربست آن در مطالعات قرآنی، نکات بسیاری را به همراه داشته و افق‌های جدیدی را در این زمینه برای قرآن‌پژوهان باز می‌نماید. تاکنون عمده تحقیقات انجام شده در این زمینه (یعنی تاریخ ادبی هرمنوتیکی)، پیرامون مباحث نظری، آن هم در میان فلاسفه بوده و کمتر تحقیق و پژوهشی به کاربست این نظریه در حوزه مصادیق مختلف از جمله مسائل مرتبط با حوزه علوم قرآن و حدیث پرداخته است. مطابق تحقیقات نگارنده، پژوهش حاضر از نخستین تحقیقات مدون در این راستا هست و امید آن را دارد که سرآغازی باشد برای سایر مطالعات این حوزه در میان مباحث مختلف علوم قرآنی و حدیثی.

مفهوم شناسی واژگان (مباحث نظری)

الف) هرمنوتیک: واژه‌ای یونانی به معنای «تفسیر کردن» است و از نام هرمس، یکی از خدایان یونان باستان گرفته شده است. هرمنوتیک، متضمن مفاهیمی چون بیان، گفتن، توضیح و تبیین بوده و در ریشه‌های اولیه خود، در رمزگشایی و تفسیر متون مقدس به کار می‌رفته است. اما به مرور، برای تفسیر مطلق متون و در نهایت تمامی نمادها، نشانه‌ها و امور معنادار به کار می‌رود. (واعظی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۴). هرمنوتیک به اعتبار اهداف به‌کارگیری آن، به کلاسیک و فلسفی تقسیم می‌شود. هرمنوتیک کلاسیک که هرمنوتیک متن نیز نامیده می‌شود؛ شامل قواعد فهم، گفتار، نوشتار، آثار هنری و هر چیزی می‌شود که وسیله‌ای برای القاء معنا به دیگران است. اما هرمنوتیک فلسفی از این‌ها فراتر رفته و به ابزاری جهت ورود و رسیدن به هستی‌شناسی تبدیل شده است. این گونه از هرمنوتیک که موضوع نوشتار حاضر نیز هست، از سنخ روش‌شناسی یا مهارت و هنر تفسیر نیست؛ بلکه در سیمای کاوشی فلسفی، خود فهم را موضوع تأمل فلسفی قرار می‌دهد و از ماهیت فهم و شرایط وجودی حضور آن (ساز و کار حصول فهم و عوامل دخیل در آن) بحث می‌کند. هرمنوتیک به مثابه فلسفه^۲ یا هرمنوتیک فلسفی چهره غالب هرمنوتیک در قرن حاضر است و دو فیلسوف معروف آلمانی، مارتین هایدگر و هانس گادامر، سهم ویژه‌ای در گشودن این فضا در حوزه هرمنوتیک دارند. (واعظی، ۱۰: ۱۳۹۰).

گرچه هرمنوتیک فلسفی، تحلیل وسیع و پردامنه از مطلق فهم و انحاء تجربه های هرمنوتیکی عرضه می‌نماید، اما نگاه خاصی به مقوله تفسیر متن دارد. نمونه هایی از رهاورد هرمنوتیک فلسفی گادامر عبارتند از: محدودیت تاریخی هر فهم، مشروط بودن فهم به موقعیت هرمنوتیکی مفسر، نامحدود بودن تفسیرهای ممکن از هر اثر (امکان فهم های متفاوت و نامحدود و در عین حال که به معنای خوب بودن یکسان همه آن تفسیرها نیست)، خطا بودن فهم قضیه ای از حقیقت (حقیقت به معنای آشکارشدگی است نه مطابقت قضیه با واقع)، خطا بودن امکان درک قصد و نیت مؤلف در عین پذیرش این که متن برساخته قصد مؤلف است (همان: ۱۱-۱۰).

تأثیر هرمنوتیک فلسفی گادامر را از طریق شاگردانش در حوزه نظریه ادبی^۳ بیش از دیگر حوزه های هنری شاهد هستیم. برای نمونه می‌توان به دو شاگرد برجسته آلمانی وی یعنی ولفگانگ ایزر^۴ و هانس روبرت جاس^۵ اشاره کرد که از نظریه پردازان اصلی مکتب کنستانس محسوب می‌شوند که قریب به ده سال (از اواخر دهه ۱۹۶۰ م تا سال‌هایی از دهه ۱۹۷۰ م) بر ادبیات آلمان حاکمیت داشت. این مکتب به نظریه دریافت^۶ نیز شناخته می‌شود که در تقابل با سنت ادبی است. چشم انداز غالب در سنت ادبی، آن است که از منظر تولیدکنندگان به متون ادبی نگریسته شود؛ حال آنکه این دو (یعنی ایزر و جاس) بنا دارند این چشم انداز را تغییر دهند و ادبیات را براساس به رسمیت شناختن منظر مصرف کننده و خواننده این متون، فهم نمایند (همان: ۴۶). در ادامه در عنوانی مستقل، به توضیح بیشتر این بخش از هرمنوتیک فلسفی گادامر می‌پردازیم.

ب) **نظریه تاریخ ادبی هرمنوتیک:** نظریه «تاریخ ادبی هرمنوتیک» که به نظریه «دریافت» نیز مشهور است، تازه‌ترین تحول تفسیرشناسی است که به جای توجه به متن یا مؤلف، به بررسی نقش خواننده و دریافت او از متون می‌پردازد. این جنبه از بحث، در قرن بیستم میلادی اهمیت ویژه ای پیدا کرد و بواسطه آن، تحولی از پرداختن به مؤلف و توجه انحصاری به متن، به سوی خواننده ایجاد شد. خاستگاه این نظریه، آرای هایدرگر و گادامر است و با نظریه‌های روانشناسی که به رفتارهای فردی مخاطب می‌پردازند، متفاوت است. بطور واقع، در این نظریه، بیش از آن که به محور تولید و خلق توجه شود؛ به محور دریافت و خوانش توجه گردیده است. در این دیدگاه به جای آنکه به بررسی

3. literary theory
4. Wolfgang Iser
5. Hans Robert Jauss
6. reception theory

ویژگی‌های تولید کننده گفتمان توجه شود به ویژگی‌ها و افق انتظارات خواننده و دریافت کننده گفتمان توجه می‌شود. چنین توجهی به مخاطب و دریافت کننده، پدیده‌ای نسبتاً تازه است و از دستاوردهای برخی مکاتب همچون پدیدارشناسی است که مکتب کنستانس و یائوس به آن تعلق دارند. از منظر طرفداران این نظریه، برای تکوین متن، وجود خواننده به اندازه مؤلف، حیاتی است چراکه خواننده پیوندهای ضمنی با متن برقرار کرده و شکاف‌های آن را پر می‌نماید. خود متن، حقیقتاً چیزی بیش از مجموعه‌ای از «علائم» برای خواننده نیست؛ علائمی که او را دعوت می‌کنند از یک قطعه زبانی، معنا بسازد. یک متن یا اثر سرشار از عناصر نامعینی است که به لحاظ تأثیر به تفسیر خواننده بستگی دارد و می‌توان آن‌ها را به گونه‌های مختلف و شاید متضادی تفسیر کرد (نامور مطلق، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۳).

برهمن اساس مطابق این نظریه، خواننده، با توجه به شرایط زمانی و مکانی خویش، پیش دانسته‌های معینی را وارد اثر خواهد کرد و براساس توانمندی‌های درونی و برونی خویش، معانی جدیدی را از آن استخراج می‌نماید. از دیگر لوازم این نظریه، آن است که چون فرآیند خواندن، همواره فرآیندی پویا و تغییر پذیر است، بنابراین فرهنگ دریافت از یک نسل به نسل دیگر تغییر می‌کند. گاهی نیز، افق انتظار که نظام پیچیده‌ای از خواسته‌ها و نیازهای مخاطب است؛ وی را به سوی یک اثر سوق داده و انتظاراتی را ایجاد می‌کنند که توقع دارند اثر در هنگام خوانش به آن انتظارات، پاسخ مناسب دهد. این افق انتظارات که در خواننده شکل می‌گیرد، توسط پیش متن‌ها و بافت حاضر وی ایجاد می‌شود. اگر متن تازه، پاسخگوی افق انتظار مخاطب باشد یا چنین احساس شود، آن‌گاه متن، مورد توجه قرار می‌گیرد. از این منظر، اثر یا متن، یک پاسخ به پرسش مخاطب است زیرا مخاطب با توجه به افق انتظاری که با خوانش متن‌های گذشته ایجاد شده و مرتبط با متن جدید است به پرسش افق انتظار خود در این عرصه پاسخ می‌دهد. از طریق این نظریه، همچنین می‌توان علل گرایش یا عدم گرایش مخاطبان به یک اثر یا جریان هنری و ادبی را شناسایی نمود. در این میان، وظیفه مؤرخ ادبی در نگارش تاریخ ادبیات خوانندگان، این است که تاریخ معانی و تفسیرهای آثار ادبی را تعقیب کند و آن را به تصویر کشد. ولفگانگ آیزر، رولان بارت و نیز یائوس (یا جاس) از جمله متفکران این دیدگاه هستند و در بسط و گسترش آن، نقش عمده‌ای را ایفا نموده‌اند. امروزه پاره‌ای از آثار ایشان در این زمینه، به زبان فارسی ترجمه شده و مقالات چندی نیز در مورد نظریات ایشان، نگاشته شده است.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که تفاوت این نظریه (یعنی تاریخ ادبی هرمنوتیکی) با تاریخ ادبی سنتی در آن است که تاریخ ادبی سنتی، متن را در ارتباط با خاستگاه و سرچشمه‌های آن

می‌شناسد یعنی به بررسی شرایط اجتماعی فرهنگی و سیاسی عصر مؤلف توجه نشان می‌دهد تا نیت مؤلف را برای آفرینش متن، دریابد اما در نظریه تاریخ ادبی هرمنوتیکی، رابرت یاس، به جای تاریخ متن و مؤلف، تاریخ خوانندگان را پیشنهاد می‌دهد. او به جای تاریخ ادبیات سنتی (مؤلف مدار)، نوشتن تاریخ ادبیات مخاطبان (مخاطب مدار) را یک ضرورت می‌داند و کمک های خلاق مخاطبان به استعلاى متن و سهم آنان در حیات تاریخی متن ادبی را به نمایش می‌گذارد (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۲). این بررسی تاریخی نشان می‌دهد که اقبال به متون ادبی در گذر زمان با افت و خیزهای بسیاری همراه بوده و کشف و بررسی علت این فرآیندها، نکات بسیار و ظریفی را از الگوهای مختلف تاریخی و معانی نهفته در متن ادبی، آشکار می‌نماید.

نوشتار حاضر بر همین اساس و با توجه به این نظریه، به رشته تحریر در آمده و تاریخ خوانندگان آیات متشابه لفظی را بررسی می‌نماید و آن‌ها را به تصویر می‌کشد.

ج) آیات مشابه لفظی

واژه متشابه در آیات قرآن کریم، از دو منظر قابل پیگیری است: متشابه معنوی و متشابه لفظی. رایج ترین کاربرد این واژه، متشابه معنوی است که معنای متشابه در آن، تشابه در معناست و معنای ظاهر، مدلول کلام نیست. این نوع، در قرآن کریم دارای تعاریف و مصادیق گوناگونی است و همیشه هم در مقابل محکم به کار می‌رود (زرکشی، ۱۴۱۸: ۴۰؛ سیوطی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵۹۲). اما مطالعه این نوشتار پیرامون دسته دوم است که در آن، منظور از متشابه لفظی (که در فارسی نیز با عنوان آیات مشابه معروف است)؛ تشابه در لفظ است یعنی آیاتی که الفاظ آن‌ها از جهات مختلف با یکدیگر شباهتی سؤال برانگیز دارند (خطیب الاسکافی، ۱۴۲۲: ۵؛ الاطرش، ۱۹۹۷: ۱۲؛ مشاوه، ۱۱۱۴: ۱۶). در حقیقت، این آیات گرچه دارای صورت‌های یکسان‌اند اما دارای تفاوت‌هایی از جهات مختلف از جمله تعریف و تنکیر اسماء، تقدیم و تأخیر، زیادت یا نقصان و ... هستند (الکرمانی، ۱۴۱۸: ۹۸؛ الزید، ۱۴۳۰: ۳۶-۳۵؛ صالح، ۲۰۰۹: ۳۳-۳۲). در یک نگاه کلی می‌توان، تقسیم بندی زیر را از این آیات، به دست آورد:

انواع مشابهت لفظی در آیات قرآن کریم

در یک نگاه کلی، می‌توان گفت مشابهت لفظی در آیات قرآن کریم دارای انواع زیر است:

الف) متشابه تام یا آیات المتفق: گاهی مشابهت در تمام الفاظ و تعبیر است یعنی الفاظ عیناً و بی هیچ اختلافی ذکر شده‌اند. مثلاً آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان» در سوره الرحمن، سی و یک مرتبه

آمده و آیه « إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ » در سوره صافات، چهار مرتبه تکرار شده است. از این گونه آیات، با نام تکرار در قرآن نیز می‌توان تعبیر نمود.

ب) **متشابه غیر تام:** گاهی بیشتر تعابیر آیات مشابه‌اند، اما در ساختار دارای تفاوت‌هایی در ناحیه تقدیم و تأخیر، تذکیر و حذف، ابدال کلمات، تعریف و تنکیر و ... هستند همانند «وَاذْخُلُوا الْآبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً» (بقره/۵۸) و «وَقُولُوا حِطَّةً وَادْخُلُوا الْآبَابَ سُجَّدًا» (انعام/۱۶۱) که علی‌رغم شباهت تمامی واژگان، تنها دارای تفاوت‌هایی در ناحیه تقدیم و تأخیر هستند. یا آیات «لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً» (بقره/۸۰) و «قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ» (آل عمران/۲۴) که تنها در مفرد و جمع بودن واژه "معدوده" با یکدیگر اختلاف دارند. این آیات، حجم نسبتاً وسیعی از قرآن کریم را در بر گرفته و برهمین اساس اهتمام بسیاری از قرآن پژوهان را به خویش مشغول داشته است. مطابق تحقیقات نگارنده در رساله دکتری که مقاله حاضر نیز مستخرج از آن است، این گروه از آیات مشابه را می‌توان در سه دسته زیر خلاصه و دسته بندی نموده:

۱. آیات متشابه لفظی در مفردات^۷: این نوع شامل موارد زیر است:

- ۱) تبدیل کلمات
 - ۲) اختلاف صیغه افعال
 - ۳) مفرد و جمع
 - ۴) ذکر و حذف
 - ۵) تعریف و تنکیر
۲. آیات متشابه لفظی در حروف
- ۱) تبدیل حروف
 - ۲) حذف و ذکر حرف
۳. آیات متشابه لفظی در جمله‌ها
- ۱) تقدیم و تأخیر مفردات
 - ۲) تقدیم و تأخیر فاعل
 - ۳) تقدیم و تأخیر جار و مجرور

۷- منظور از مفردات، اسم و فعل هستند.

پ) **اشتراک لفظی:** آیاتی را در برمی‌گیرد که دارای اشتراک لفظی در برخی واژه‌ها، آن‌هم در آیه‌ای خاص هستند (برخلاف دو دسته قبل) همانند «فَرَأَ عَلیهِمْ ضَرَبًا بِالْیَمِینِ» (صافات/۹۳) که در (ضرباً بالیمین) تشابه وجود دارد و اختلافات معنایی بسیاری را برانگیخته است یا همانند لفظ "رحمت" که در آیات مختلف، معانی متعددی همانند اسلام (آل عمران/۴۷)؛ ایمان (هود/۲۸)؛ بهشت (آل عمران/۱۰۷)؛ باران (اعراف/۵۷) و ... دارد.

با تفحص در مباحث و مسائل مطرح در ذیل این آیات، می‌توان بدین نکته راه یافت که در مورد مشابهات لفظی قرآن کریم، رویکردهای مختلفی وجود دارد، گویی خوانندگان این آیات در هر دوره تاریخی، افق انتظارات مختلفی از این آیات داشته و بر اساس آن، نوشته‌های مختلفی را به رشته تحریر در آورده‌اند. در برخی ادوار تاریخی، مباحث کلامی با اهل کتاب رایج شده و در برخی دیگر، مباحث درون دینی مسلمانان اوج گرفته است. مباحث ادبی، نسخه‌شناسی، مباحث نوین زبان‌شناسی و زیبایی‌شناسی، و سایر مطالعات مختلف، هر یک در برهه‌ای از تاریخ، در رویکردهای مختلف نسبت به این آیات مؤثر بوده و آثار متنوعی را در مورد این آیات، پدید آورده‌اند.

در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است براساس رویکرد تاریخ ادبی هرمنوتیک، انواع رویکردها در مواجهه‌های مختلف تاریخی با این آیات (مشابه لفظی) را واکاوی نموده و ضمن بررسی شرایط تاریخی هریک از این رویکردها، خاستگاه و علل تفاوت آن‌ها را بررسی نماید.

گرچه در تمامی آثار نگارش یافته پیرامون این آیات، از آن‌ها، با نام آیات متشابه لفظی یاد شده؛ اما نگارنده در پژوهش حاضر، جهت سهولت امر و پاس داشتن زبان فارسی، از آن‌ها با نام «مشابه یا مشابهات لفظی قرآن کریم» یاد می‌کند.

۱- رویکردهای خوانندگان به مشابهات لفظی قرآن کریم

براساس رویکرد هرمنوتیک جدید و نظریه دریافت، متن، مجموعه‌ای از ((علامت)) برای خواننده است که او را دعوت می‌کند از یک قطعه زبانی، معنا بسازد. یک متن یا اثر، سرشار از عناصر نامعینی است که به لحاظ تأثیر، به تفسیر خواننده بستگی دارد و می‌توان آن‌ها را به گونه‌های مختلف و شاید متضادی تفسیر کرد. در این میان، خواننده یا مفسر، با توجه به شرایط تاریخی و فضای زیستی خویش، همچنین پیش فرض‌ها و انتظاراتی که از متن دارد، به خوانش متن پرداخته و با پرنمودن خلأها و شکاف‌های متن، آن را براساس مقتضیات زمانی و مکانی و نیز افق انتظاراتش به سخن در آورده و فهم و استنباط می‌نماید.

آیات مشابه در قرآن کریم نیز، در طول تاریخ از این نوع خوانش و دریافت مصون نبوده و همواره با توجه به شرایط تاریخی و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، خوانش‌های مختلفی از آن‌ها ایجاد شده است. هرکدام از این خوانش‌ها، تابع الگوهای ذهنی و افق انتظاراتِ مردمان ادوار مختلف تاریخ است. در حقیقت، این آیات، براساس جایگاه خاص خویش که به دلایل مختلف، همواره در معرض مجادلات برونی و درونی جامعه مسلمانان بوده، تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه و مباحث رایج در آن، واقع شده و گروه‌های مختلف اندیشمندان، دریافت‌ها و خوانش‌های مختلفی را از آن‌ها، براساس افق انتظارات‌شان از متن مقدس، داشته‌اند. بر همین اساس در نگارش این نوشتار، نخستین مسئله روش شناختی که پیش روی این بررسی قرار دارد؛ این است که خوانندگان و مخاطبان آیات مشابه لفظی قرآن کریم، را بر اساس چه اسناد و منابعی شناسایی کنیم؟.

از آنجا که قصد ما بازشناسی پژواک صدای این دسته از آیات قرآن کریم در طول تاریخ است، حتی المقدور سعی نموده‌ایم که منابع اولیه مربوط به همان دوران صدر اسلام را نیز مدنظر داشته و سپس بر اساس اطلاعات به دست آمده از آن دوران تا به امروز، خوانندگان این آیات را با توجه به طبقه اجتماعی، نوع خوانش‌ها و شیوه‌های استفاده آن‌ها از این گونه آیات، رده بندی می‌کنیم و سپس بر اساس بافت و شرایط زیست اجتماعی و فردی این افراد، افق انتظارات ایشان و موقعیت این آیات را در آن شرایط تاریخی به تصویر کشیم. مطابق تحقیقات انجام شده، انواع مواجهه‌ها و رویکردهای مختلف به این آیات، در دو دسته کلی، آثار درجه اول و آثار درجه دوم، تفکیک و دسته بندی می‌شوند. دسته اول، به طور مستقل و مستقیم به بررسی این آیات پرداخته ولی دسته دوم، به تکمیل یا نسخه شناسی آثار دسته اول همت گماشته‌اند. شرح این دو دسته به اختصار عبارتند از:

الف) آثار درجه اول:

منظور از اثر درجه اول، کتابی است که موضوع مورد مطالعه آن، آیات مشابه در قرآن کریم بوده و براساس اهتمام به این آیات، به رشته تحریر در آمده‌اند. این گونه آثار را می‌توان در شش رویکرد زیر خلاصه نمود:

۱- رویکرد مصنفان و گردآوردگان

رویکرد اول در مواجهه با آیات مشابه، کتاب‌هایی هستند که صرفاً به جمع آوری و حصر این آیات اقدام کرده‌اند. برخی از نویسندگان این آثار، هدف نگارش و تألیف خویش را صرفاً گردآوری این آیات معرفی نموده؛ اما برخی دیگر، که اکثر این گروه را نیز تشکیل می‌دهند، هدف خویش را از این تصنیف، کمک به حافظان قرآن دانسته‌اند.

در حقیقت، از آنجا که اختلاف اندک میان آیات مشابه، دشواری‌هایی را برای حافظان در تثبیت و به خاطر سپردن محفوظات‌شان ایجاد می‌نمود، برخی از مسلمانان، با هدف کمک به ایشان، به تلاش برای جمع آوری آیات مشابه لفظی پرداخته و ضمن ضبط و یکجاسازی این آیات، به تفکیک و دسته بندی آن‌ها برای حافظان اقدام نموده‌اند. حافظان قرآن، بواسطه این تفکیک و دسته بندی، با مقایسه این آیات با یکدیگر، راحت‌تر می‌توانند تشابهات و اختلافات قرآن را در ذهن خویش تثبیت نمایند.

بطورکلی خاستگاه این جریان، به همان قرون اولیه اسلام باز می‌گردد که نقل شفاهی نسبت به نقل مکتوب، رواج بیشتری داشت و جایگاه حفظ این کتاب در طول زمان و مصونیت آن از تحریف، از جایگاه و موقعیت خاصی برخوردار بوده و از آنجا حافظان قرآن کریم، مقامی ویژه داشتند. بر همین اساس توجه به اینگونه آیات، اهمیت بسزایی داشت و می‌توانست کمک شایانی به حافظان جهت تثبیت محفوظات‌شان و از آنجا حفظ کامل قرآن و انتقال دقیق سینه به سینه آن در میان مردمان نماید. بعدها یعنی در اواسط قرن دوم هجری، تألیفاتی در این زمینه به رشته تحریر در آمد. برخی از این آثار، که اکثراً هم از حوزه متقدمان هستند، عبارتند از:

۱. کتاب «مقاتل بن سلیمان بلخی» (۱۵۰ق)
۲. کتاب «حمزه بن حبیب الزیات» (۱۵۸ق)
۳. کتاب «نافع بن عبدالرحمن» از قراء سبعة (۱۶۹ق)
۴. کتاب «متشابه القرآن» از «ابی الحسن علی بن حمزه کسائی» (۱۸۹ ق)
۵. کتاب «خلف بن هشام الازدی» از قراء عشره (۲۲۹ق)
۶. کتاب «محمود بن حسن» (۲۳۰ق)
۷. «متشابه القرآن العظیم» از ابی داود المنادی (۳۳۶ق)
۸. «هدایه المرتاب و غایه الحفاظ و الطلاب فی معرفه متشابهات کلام رب الارباب» از علی بن عبدالله السخاوی (۶۴۳ق)
۹. کتاب «القطیعی» (۳۶۸ق)
۱۰. «هدایه الحیران فی متشابه القرآن» از ناصر بن عبدالله العبید
۱۱. «دلیل المتشابهات اللفظیه فی القرآن الکریم» از محمد بن عبدالله الصغیر

همانگونه که از فهرست فوق، مشخص است، این رویکرد، از نخستین مواجهه‌ها با این آیات بوده و آثار نگارش یافته به همان دوران صدراسلام که آغاز رواج کتاب و کتابت بوده است؛ باز می‌گردد.

توجه به این امر، اهمیت این آیات را از همان دوران صدر اسلام نشان می‌دهد که از همان آغاز، آیات مشابه در قرآن کریم، توجه بسیاری از مسلمانان را به خود جلب کرد و از آن جا ایشان را به تلاش و تکاپور برای تصنیف و گردآوری این آیات، واداشته است. البته از میان کتب فوق، تنها موارد اول، چهارم، دهم و یازدهم، هستند که در قالب الکترونیکی موجود بوده و مورد بررسی نگارنده واقع شدند. اما متأسفانه سایر کتب، یافت نگردید.

همچنین برخی از کتب فوق همانند موارد اول، دوم، پنجم، ششم، هفتم و دهم، در فهرست ابن الندیم ثبت شده‌اند (ابن الندیم، ۱۹۹۴: ۵۷).

البته در نیم قرن اخیر نیز که بار دیگر مقوله حفظ قرآن کریم، رواجی دوباره یافته، آثار بیشتری از این دست نگاشته شده که در میان حافظان و البته پژوهشگران قرآن، مورد استفاده است. حافظان قرآن برای تثبیت محفوظات و پژوهشگران، جهت انجام مطالعات مدون و منظم پیرامون مفاهیم و تعالیم الهی، از این کتب بهره‌مند می‌شوند.

رویکرد اهل کتاب و مستشرقان (رویکرد مجادله ای)

در قرون نخست، فضایی جدلی میان مسلمانان و اهل کتاب در باب حقانیت دین اسلام و اصالت دعوی پیامبر اسلام بوجود آمد. یکی از نقاط اصلی بحث در این مجادلات، حقانیت رسالت حضرت محمد(ص) در مقابل دین مسیحیت و ابطال اندیشه تثلیث بود. نوشته های مسلمانان با ارائه شواهدی از متون و روایات اسلامی و گاه با مراجعه به بخش هایی از عهد قدیم و عهد جدید، درصدد اثبات نبوت پیامبر اکرم(ص) و یا اثبات برتری وی و نیز ارجحیت دین اسلام بر عیسی (ع) و دین مسیحیت‌اند. در مقابل، متون مسیحی نیز، ضمن ردّ و انکار این امر، شواهدی را از متن قرآن یا کتب آسمانی خویش بر مدّعیات خود ارائه می‌کنند و وحیانی بودن این کتاب را مخدوش می‌نمایند. در این میان، برخی از شواهد مورد ادّعای ایشان، به آیات مشابه قرآن کریم بازگشت می‌نمایند که تناقضات ظاهری موجود در این آیات و از آنجا وحیانی بودن این کتاب را در نگاه این گروه، زیر سوال می‌برد. بر همین اساس، یکی از اولین دریافت ها و خوانش ها از این آیات، خوانش و دریافتی است که اندیشه وجود تناقض در قرآن و از آن جا غیر وحیانی بودن الفاظ آن را تداعی می‌نماید.

این دریافت، هنوز هم در میان برخی اندیشمندان، از جمله مستشرقان جاری است و گروهی از ایشان، با استناد به این آیات و برجسته نمودن تناقضات میان آن‌ها، بشری بودن الفاظ آن را نتیجه گرفته‌اند. در این میان می‌توان به افرادی همانند جان ونزبرو، ولهاوزن، یوسف حدّاد و ... اشاره نمود.

۲- رویکرد تقدیس متن (اعجازی/ اعجازگونه)

در مقابل دریافت و خوانش دسته قبل، فهم و دریافت دیگری از آیات مشابه لفظی، در جامعه مسلمانان شکل گرفت که با هدف دفاع از ساحت قرآن کریم و رفع تناقضات ظاهری متصور در آن، این‌گونه آیات یعنی آیات مشابه لفظی را از ابعاد اعجاز قرآن کریم، مخصوصاً اعجاز بیانی آن دانسته و علت آن را، نه بشری و غی روحیانی بودنش، بلکه به دلایل مختلفی همانند تناسب با محتوای سوره، ارتباط با مقتضیات زمانی و مکانی نزول و در نظر داشتن مخاطبان خاص برای هر آیه و سایر دلایل دیگر، معرفی کرده‌اند. از جمله این آثار، ابتدا کتاب‌هایی است که در قرن سوم با نام "نظم القرآن" تألیف شد و با بررسی نظم واژگانی قرآن و انسجام و ارتباط لفظی و محتوایی میان واژگانش، و حیانی بودن این کتاب و وجوه مختلف زیبایی شناختی الفاظ آن را برجسته و نمایان ساخت. سپس می‌توان به کتاب خطیب اسکافی اشاره نمود که بطور خاص با هدف (تبیین علت اختلاف آیات مشابه لفظی) در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، به رشته تحریر در آمد. اسکافی در مقدمه کتابش، به صراحت، یکی از دلائل تألیف کتابش را، همین موضوع یعنی پاسخ به ملحدین و طعن زندگان به قرآن که گمان می‌کنند در قرآن، آیات متناقض یا تکراری وجود دارد؛ معرفی کرده‌است (آیدین، ۱۴۲۲: ۲۲۰-۲۱۸).

اما دومین عامل در شکل‌گیری خوانش اعجازین قرآن و اسناد اندیشه اعجاز بیانی به قرآن بر مبنای آیات مشابه لفظی، به مسائل درونی جامعه مسلمانان یعنی دغدغه‌های ادبی و کلامی متکلمان معتزلی در قرن سوم بازگشت می‌نماید. بطور واقع، معتزله و به طور کلی مخالفان اهل حدیث، از نخستین گروه‌های اسلامی بودند که پرسش‌هایی کلامی در باب ذات، ماهیت و مبنای فهم قرآن طرح کرده‌اند. موضوع آیات مشابه لفظی نیز، از آنجاکه مرتبط با نظم قرآن است، از همین دست مسائل است که دغدغه‌های ادبی برخی ادیبان از یکسو و شبهات خارجی از جانب مخالفان و ملحدان از سوی دیگر، در طرح تدریجی آن، نقش جدی داشته‌اند. مهم‌ترین پرسشی که در این راستا، ذهن متکلمان معتزلی را در قرون دوم و سوم به خود مشغول ساخته؛ این است که: کدام ویژگی‌هاست که کلام الله را از آثار فصحاء، بلغاء، خطباء، شعراء و کُهان متمایز می‌سازد (الشرفی، ۱۹۸۶: ۴۷۸).

بدیهی است که چنین پرسشی، نه بدون پیش زمینه بلکه برخاسته از اندیشه‌ها و آرای قبلی در فضای علمی دهه‌های قبل بوده‌است؛ به عنوان نمونه، در منابع آمده که عیسی بن صبیح (م. حدود ۲۲۶ ق) معروف به ابوموسی المرادار و از شاگردان بشر بن معتمر، که از نظریه خلق قرآن دفاع فراوانی می‌کرد، معتقد بود که مردم قادرند همانند قرآن را از حیث بلاغت و نظم و فصاحت تقلید کنند

(الشهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۸۳-۸۲). برخی از پاسخ دهندگان به پرسش فوق، که معتزله بصره و به تبع ایشان شیعیان زیدی هستند؛ معتقد بودند که معجزه قرآن، در ذات زبان آن و به تعبیر دقیق تر در نظم قرآن نهفته است^۸. از منظر یکی از طرفداران این گروه یعنی خطابی (۳۸۸م ق)، که یکی از ادبای متبحر در این دوران نیز محسوب می‌شود، تأثیر بلاغی کلام: رفا از طریق انتخاب الفاظ حاصل نمی‌شود بلکه ساختار و نظم مرتبط کننده این الفاظ نیز، در آن نقش دارد. بنابراین هر تغییری در الفاظ یا در ساختار، یا موجب انحراف در مراد اصلی عبارت می‌شود یا زیبایی آن را از بین می‌برد (خطابی، بی تا: ۲۰۶-۲۰۵). بر همین اساس عبارات قرآن، بلیغ ترین عبارات، حاوی بهترین معانی و برخوردار از زیباترین ساختارند.

با توجه به این مبنا و با اوج گیری بحث ها در اطراف نظم قرآن، تبیین علت اختلاف آیات مشابه لفظی نیز، در میان قرآن پژوهان، راه یافت و سرانجام در قرن پنجم که دوران شکوفایی و بالندگی فکری و علمی مسلمانان به شمار می آید، تقریر کتب مستقل پیرامون اهمیت فهم این آیات، آغاز شد. از این طریق بود که اندیشه اعجاز بیانی قرآن، ایجاد و در قرون بعدی، قوت گرفت و به رشد و تکامل خویش رسید. تا به امروز نیز، این دریافت و خوانش از آیات مشابه لفظی، به عنوان یکی از خوانش های حداکثری از قرآن کریم، در جامعه مسلمانان مطرح و جاری است و طرفداران بسیاری را نیز پیرو خود نموده است. از مهمترین این آثار در حوزه متقدمان، می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. «دره التنزیل و غره التأویل فی بیان الایات المشابهات فی کتاب الله العزیز» از ابی عبدالله خطیب اسکافی (م ۴۲۰ ق)
۲. «البرهان فی مشابه القرآن» از محمود بن حمزه الکرمانی (م ۵۰۵ ق).
۳. «ملاک التأویل القاطع بذوی الالحداد و التعطیل فی توجیه المشابه اللفظی من ای التنزیل» از احمد بن ابراهیم بن الزبیر غرناطی (م ۷۰۸ ق).
۴. «کشف المعانی فی المشابه من المثانی» از بدرالدین جماعه (م ۷۳۳ ق)
۵. «قطف الازهار فی کشف الاسرار» از جلال الدین السیوطی (م ۹۱۱ ق)
۶. «فتح الرحمان بکشف ما یلتبس فی القران» از ابی یحیی زکریا الانصاری (م ۹۲۶ ق)
۷. «التقریر فی التکریر» از علامه السید محمد ابوالخیر عابدین (م ۱۳۴۴ ق)
۸. و سایر موارد

۸ - در مقابل این گروه، دسته دومی قرار دارند که باید ایشان را معتزله نخستین بغداد نامید. ایشان چندان بر نظم و تألیف قرآن تأکید ننموده و معتقدند معجزه بودن قرآن، نه به دلیل عجز بشر به ذات جملات و نظم و بلاغت آن؛ بلکه به سبب ایجاد مانعی از جانب خداوند است که این امر اصطلاحاً به نظریه صرفه شهرت یافته است.

از میان آثار فوق، تنها مورد پنجم و هفتم، توسط نگارنده یافت نشد و سایر موارد، مورد بررسی نگارنده واقع گردیدند.

همچنین لازم به ذکر است تنها چهار مورد اول به همراه مورد ششم، جامعیت دارند و از ابتدا تا انتهای قرآن، براساس ترتیب سور نگارش یافته اند. سایر کتب به صورت گلچینی از این آیات یا از زوایه علم بلاغت، تنها به برخی از این آیات پرداخته‌اند (آیات منتخب).

در حوزه متأخران نیز، می‌توان آثار زیر را برجسته ترین آثار در این رویکرد دانست:

۱. «من بلاغه المشابه اللفظی فی القرآن الکریم» از محمد علی الصامل (۲۰۰۱م)
۲. «المشابه اللفظی فی القرآن الکریم و اسراره بلاغیه» از صالح عبدالله الشری (۲۰۰۱م)
۳. «الحذف و الذکر فی المشابه اللفظی فی القرآن الکریم» از ابوزنیه (۲۰۰۲م).
۴. «المشابه اللفظی فی القرآن الکریم، رؤیه فی التفسیر من خلال اللغه و السياق» از محمد محمود القاضی (۲۰۰۹م)
۵. «من اسرار الحروف العطف فی الذکر الحکیم» از محمد الامین الخضری (۱۹۸۹م)
۶. «من اسرار الحروف الجر فی الذکر الحکیم» از محمد الامین الخضری (۱۹۹۳م)
۷. «الاعجاز البیانی فی صیغ الالفاظ دراسه تحلیلیه للافراد و الجمع فی القرآن الحکیم» محمد الامین الخضری (بی تا)
۸. «من اسرار النغیره فی نسق الفاصله القرآنیة» از محمد الامین الخضری (۱۹۹۴م).
۹. «المشابه اللفظی فی القرآن الکریم دراسه نقدیة بلاغیه» از مشهور مشاهره (۱۱۱۴ق)
۱۰. «اضواء علی مشابهات القرآن» از خلیل یاسین (۱۳۸۸ق)
۱۱. «التشابه منهج القرآن فی فهم القرآن» از صلاح الدین خلیل الکلاس
۱۲. و سایر آثار.

از میان کتب فوق، تنها مورد یازدهم یافت نشد و سایر کتب، مورد رؤیت نگارنده واقع گردیده‌اند. بنابراین مطابق این خوانش و دریافت از آیات مشابه لفظی، که خوانش حداکثری را در میان مسلمانان تشکیل می‌دهد، آیات الهی یک مجموعه تصادفی از کلمات نیست و آیات مشابه نیز، ویژگی‌های زبانی خاصی داشته که علی‌رغم تکراری نمودن الفاظ در نگاه اولیه، ساختار آن، از اسلوب و چینش خاصی پیروی می‌نماید؛ طوری که نمی‌توان هیچ یک از الفاظ آن را جایگزین دیگری نمود. توجه بدین امر، حاکی از اعجاز قرآن کریم مخصوصاً در بخش واژگانی و بلاغی آن است.

۳- رویکرد عرفی

مواجهه دسته ای دیگر از قرآن پژوهان به آیات مشابه لفظی در طی تاریخ، به مثابه یک متن ادبی همانند سایر متون بوده است. از منظر این گروه، که غالباً نیز از میان روشنفکران و نواندیشان دینی هستند؛ این آیات، نه شگفتی و اعجاز خاصی دارند(آنگونه که قائلان به اعجازیانی قرآن قائلند) و نه، اختلافات موجود در آن‌ها، نقص و ایراد بر قرآن محسوب می‌شود. نیز، این گروه، گرچه بعدی اعجاز گونه برای این آیات قائل نبوده و به دنبال توجیه‌تراشی و اعجازسازی برای این آیات نیز، نیستند؛ اما بشری بودن الفاظ قرآن و از آنجا وجود تناقض در آن را نیز اعتقاد ندارند. از منظر ایشان، قرآن به لسان قوم و به زبان محاوره ای اعراب عصر نزول؛ آن هم به صورت گفتاری نه نوشتاری، نازل شده و بر همین اساس تکراری بودن برخی آیات همانند آیات مشابه لفظی تام و یا اختلافات جزئی در پاره‌ای کلمات و حروف در اینگونه آیات، اقتضای نزول تدریجی و حاصل تسامح عرف در بیان و نتیجه گفتاری بودن آیات(نه نوشتاری بودن) است. هیچ اعجازی، در این آیات نهفته نیست و مجادلات کلامی و فرقه ای مسلمانان با درون و بیرون امت اسلام، توهم اعجاز را برای این آیات، در اندیشه طرفدارانش ایجاد کرده است. اعجازهایی هم که به این آیات نسبت می‌دهند، برخی بسیار عجیب و شگفت بوده و برخی نیز، تنها بازی با کلمات و متکلفانه سخن گفتن است. بر همین اساس نباید اختلافات موجود میان این آیات را چندان جدی گرفت و به اعجاز‌تراشی و بافتن معانی خاص برای آن‌ها همت گمارد. این آیات، همانند سایر آیات بوده و با توجه به مقتضیات صدور و نزول آن‌ها می‌بایست بررسی شوند(ر.ک: نکونام، ۱۳۹۰: ۷۹-۶۰؛ ابوزید، ۱۳۸۹: ۳۱۳).

بنابراین سومین خوانش از آیات مشابه لفظی، دریافتی است که فارغ از اغراض و مقاصد دینی و فرقه ای عرضه شده و قائلان بدان، بدون توجه به پیش فرض های کلامی همانند بشری یا الهی بودن الفاظ قرآن، عرفی یا خاص بودن زبان قرآن و غیره، با متن قرآن کریم از جمله آیات مشابه لفظی موجود در آن، به مثابه یک متن، برخورد و همانند سایر آیات قرآن، به فهم و استنباط معنا از آن پرداخته‌اند. خط سیر این گروه، هم در میان متقدمان قابل پیگیری است و هم در میان متأخران.

۴- رویکرد ادبی(شاعران)

خوانش دیگری که از آیات مشابه لفظی ارائه شده؛ دیدگاه کسانی است که همانند دسته فوق، فارغ از مسائل کلامی و زبانی، کاری به جنبه اعجازین این آیات و اختلافات موجود در آن‌ها ندارند؛ بلکه حتی از این اختلافات استفاده ادبی کرده و آثار منظوم و نظام‌مندی را با ذوق ادبی و سلاقی هنری

خویش از این گونه آیات، استخراج و تألیف نموده‌اند یعنی با ذوق و سلیقه خویش، اختلافات موجود در این آیات را تبدیل به شعر یا دیوان شعر نموده‌اند. عمده این آثار، مربوط به قرن دوم به بعد، هستند که در آن زمان، اهتمام به این آیات، رشد چشمگیری داشت و نیز، نشر و کتابت، رواج گسترده‌ای یافت. به عنوان نمونه، سخاوی (م ۶۴۳ق) در کتابش (سخاوی، ۱۹۹۴: ۲۷) پیرامون مواضع تکرار عبارت «یا إِبْلِيسُ» چنین سروده:

وَ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَوْضِعَانِ فَالْأَوَّلُ الْحِجْرُ وَصَادُ الثَّانِي

یا در منظومه دمیاطی (م ۱۲۷۴ق یا ۱۲۸۷ق) پیرامون تشابه لفظی موجود در دو آیه « وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» (یس/۲۰) و «وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ» (قصص/۲۰) آمده است که:

و جاء من أقصى بعده رجل أتى بيأسين ثم العكس في قصص جلا

بطور کلی، کلیه آثار منظوم نگارش شده پیرامون این آیات، تنها به اختلافات موجود در این آیات اشاره کرده و در جهت تبیین علت اختلاف، سخنی نگفته‌اند. به نظر می‌آید که هدف از نگارش این آثار نیز، به نوعی کمک به حافظان باشد. فهرستی برخی از این آثار منظوم عبارتند از:

۱. منظومه «هدایه المرتاب وغایه الحفاظ والطلاب فی تبیین مشابه الكتاب» از علم الدین ابوالحسن علی بن محمد السخاوی (۶۴۳-۵۵۸ق)^۹.
۲. منظومه «اتمه البیان لما أشکل من مشابه القرآن» از ابی شامه المقدسی (م ۶۶۵ق)
۳. منظومه «کفایه القارئ فی مشتبهات القرآن الکریم» از امام محمد هاشم الحارثی السندی (م ۱۱۷۴ق)
۴. منظومه «حلیه الحفاظ: منظومه الدمیاطی فی مشابه الآی و الالفاظ» از شیخ محمد بن مصطفی الخضری الدمیاطی (م ۱۲۷۴ق یا ۱۲۸۷ق).

۶- معاجم و فهرست نویسان

یکی دیگر از اقدامات انجام شده پیرامون آیات مشابه لفظی، تألیف و نگارش معاجم و فهرست‌هایی از آیات مشابه لفظی به شیوه‌های مختلف است. هدف این گروه از نویسندگان، آسان‌سازی

۹- سخاوی اولین اثر منظوم پیرامون آیات مشابه لفظی را از خود به یادگار گذاشته است. او در این کتاب، حدود ۴۳۱ بیت پیرامون آیات مشابه لفظی قرآن کریم سروده و عده بسیار زیادی از محققان نیز، به شرح، تفسیر و تحقیق اشعار او پرداخته‌اند.

استفاده از قرآن و دست‌یابی سریع‌تر به واژگان، موضوعات و آیات مشابه، برای انواع مختلف دسته‌های پژوهشگران قرآنی است. بر همین اساس سه دسته معجم، در ارتباط با آیات مشابه لفظی بوجود آمد:

✓ **معاجم و فهرست های واژگانی:** منظور از این دسته، کتبی است که واژگان قرآن را به ترتیب حروف الفبا مرتب کرده و تعداد دفعات تکرار هریک را نیز بیان نموده‌اند. از این طریق، به راحتی می‌توان واژگان دارای بسامد بالا را پیدا نمود. البته شاید این گروه را نتوان جزو آیات مشابه لفظی، به معنای اصطلاحی آن نمود اما از آنجا که آثار نگارش یافته در این دسته، به نوعی به تشابهات لفظی موجود در قرآن اشاره دارند، نگارنده اشاره به آن را در این قسمت، خالی از فایده ندانست.

✓ **معاجم و فهرست های ترکیبی:** صاحبان این دسته نیز، همانند دو دسته قبل، تنها به مرتب سازی و فهرست بندی آیات مشابه لفظی موجود در سوره ها پرداخته و بدون تبیین علت اختلاف آن ها، تنها گزارشی از انواع و اقسام عبارات و ترکیبات مشابه لفظی ارائه نموده‌اند.

یکی از این آثار این گروه، کتاب «المعجم المفهرس للترکیب المشابه فی القرآن الکریم» از محمدزکی محمد خضر است که با هدف حفظ کتاب خداوند و تثبیت آن در قلب‌ها، به ۴۴۳۹ عبارت قرآنی در ۷۸۳۰۶ موضع از قرآن پرداخته که یا تماماً شبیه هم بوده و یا اختلافات جزئی با یکدیگر دارند.

به عنوان نمونه، ذیل واژه «عرش»، تمامی ترکیبات قرآنی آن را آورده است: (الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: التوبة/۱۲۹، المؤمنون/۸۶، النمل/۲۶؛ عَرْشٌ عَظِيمٌ: النمل/۲۳؛ غُرُوشِهَا قَالَ: البقرة/۲۵۹؛ غُرُوشِهَا وَيَقُولُ: الكهف/۴۲) (محمد خضر، بی تا: ۲۲).

سایر کتب مرتبط با این حوزه عبارتند از: «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» از محمد فؤاد عبدالباقی؛ «قائمه معجمیه بالفاظ القرآن الکریم و درجات تکرارها» از محمد حسین ابوالفتح (۱۹۹۰م)، «قاموس الالفاظ القرانیه، دلیل ابجدی و بیان احصائی لجميع الفاظ القرآن الکریم» از دار المعارف (۱۹۹۳م) و سایر موارد دیگر.

در پایان، ذکر این نکته حاضر اهمیت است عمده آثار معاصران پیرامون زیبایی های ادبی آیات مشابه لفظی، نه به صورت یک اثر مستقل، بلکه در ضمن کتبی است که به مباحث زبان‌شناسی یا نشانه‌شناسی قرآن کریم پرداخته‌اند. خاصیت این گروه در پاره ای موارد، توجه به متن، همراه با لحاظ بافت آن و در نظر گرفتن شرایط صدور، مکان و زمان صدور و کلیه موارد مرتبط با این آیات است که با کمک مطالعات نوین زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی پیگیری می‌شوند. از منظر ایشان نیز، این آیات را

می‌بایست به مثابه متن نگرینست و فارغ از پیش فرض های کلامی، به خوانش آیات و فهم متن روی آورد. بنابراین این دسته نیز، پیش فرض کلامی ندارند. نه در پی اثبات اعجازاند و نه درصدد اثبات بشری بودن قرآن یا پیدانمودن تناقضات موجود در آن.

۷- جغرافیای قرائت‌ها و رویکردها

یکی از نکات جالب توجه و درخور بررسی، توجه به جغرافیای زیستی نویسندگانی است که به آیات مشابه قرآن کریم، توجه نموده و آثاری را پیرامون آن‌ها به رشته تحریر در آورده‌اند. مطابق تحقیقات نگارنده، بیش از ۹۵ درصد این آثار مربوط به جامعه اعراب اهل تسنن است که در کشورهای مختلف از جمله عربستان، عراق، مصر، مالزی و ... به نگارش آثار خویش پیرامون این آیات یا آثار مرتبط با آن‌ها، پرداخته‌اند. در میان جامعه ایرانیان، تنها برخی آثار یافت شد که تقریباً تمامی آن‌ها نیز، ضمن آن که حاصل چند سال اخیر هستند، عمدتاً از نوع تصنیف و گردآوری، آن‌هم برای کمک به محفوظات حافظان قرآن کریم است. سه رساله کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی یافت شد که از نوع آثار درجه دوم بوده و به ترجمه کتاب اسکافی پرداخته‌اند. یکی دو رساله کارشناسی ارشد و مقاله نیز یافت شد که به بررسی علت اختلاف این آیات پرداخته و اکثر آن‌ها را از باب تفنن در کلام دانسته‌اند. رساله نگارنده نیز در مقطع دکتری دانشگاه اصفهان نیز، تازه‌ترین نگارش پیرامون این آیات است که تنها به تبیین علت اختلاف آیات مشابه سوره حمد و بقره، براساس قرینه‌شناسی و استخراج انواع قرائن درونی و برونی متن قرآن کریم پرداخته است.

در میان آثار انگلیسی زبان نیز، نگارنده تنها معدود مقالات و کتبی را یافت که به طور پراکنده و بسیار مختصر به این آیات پرداخته و در لابلای سایر مطالب و مباحث خویش، به این آیات، آن‌هم یا با هدف اثبات اعجاز قرآن یا با هدف انکار آن، پرداخته‌اند. از جمله نیکلای زینای را می‌توان نام برد که در مقاله‌ای که در یک کتاب چاپ شده است^{۱۰}، از این آیات بهره برده و با مقایسه سیاق سوره‌هایی که این آیات در آن‌ها ذکر شده‌اند، هماهنگی علت اختلاف با سیاق کلی سوره را اثبات کرده است.

محققان سایر کشورها همانند هند، پاکستان، مالزی و ... نیز عمدتاً به تصحیح و نسخه‌شناسی آثار قرون اول پرداخته‌اند.

10. Sinai, Nicolai, (2010), The Qur 'an as Process, published in The Quran in Context: Historical and Literary Investigations in to the Quranic Milieu, edited by Angelika Neuwirth and Nicolai Sinai and Michael Marx, Brill.

یکی دیگر از نکات حائز اهمیت در این قسمت، آن است که حتی در میان تفاسیر نیز، مفسران، کمتر به این آیات پرداخته و گرچه اختلافات جزئی این آیات را متذکر شده‌اند اما در تبیین آن، مطلب قابل ذکری نگفته‌اند. در این میان می‌توان پرتلاش‌ترین مفسران را نیشابوری در «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»؛ ابن عاشور در «التحریر والتنویر»؛ ابوحیان اندلسی در «البحر المحیط فی التفسیر» و نیز بقاعی در «نظم الدرر فی تناسب الایات و السور» نام برد.

بنابراین جغرافیای دائره مخاطبان این گونه آیات، تقریباً در تمامی جهان گسترش یافته و براساس منابع موجود و افق انتظارات نویسندگان و نیازهای زمانه، آثار متعددی پیرامون این آیات به رشته تحریر در آمده‌اند.

ب) آثار درجه دوم:

در دوران معاصر بار دیگر، نگاه‌های بسیاری از قرآن پژوهان به این آیات جلب شده و از زوایای مختلف به مطالعه این آیات پرداخته‌اند. برخی روش‌های گذشتگان را تکمیل کرده و برخی، آثار آن‌ها را نقد نموده‌اند. عده ای نیز با هدف حفظ تراث، به نسخه شناسی و احیای نسخ خطی آثار قدما مرتبط با آیات مشابه قرآن کریم پرداخته‌اند. این رویکردها را می‌توان در انواع زیر خلاصه نمود:

۱- نسخه شناسان

همانگونه که در قبل بازگو شد، در حوزه بررسی و تبیین علت اختلاف آیات متشابه لفظی، ۵ اثر جامع در حوزه متقدمان وجود دارد که پایه و اساس سایر تحلیل‌های انجام گرفته پیرامون این آیات واقع شدند. این پنج اثر عبارتند از:

۱. «دره التنزیل و غره التأویل فی بیان الایات المشابهات فی کتاب الله العزیز» از ابی عبدالله خطیب اسکافی (م ۴۲۰ ق)
۲. «البرهان فی مشابه القرآن» از محمود بن حمزه الکرمانی (م ۵۰۵ ق).
۳. «ملاک التأویل القاطع بذوی الالحداد و التعطیل فی توجیه المشابه اللفظی من ای التنزیل» از احمد بن ابراهیم بن الزبیر غرناطی (م ۷۰۸ ق).
۴. «کشف المعانی فی المشابه من المثانی» از بدرالدین جماعه (م ۷۳۳ ق)
۵. «فتح الرحمان بکشف ما یلتبس فی القران» از ابی یحیی زکریا الانصاری (م ۹۲۶ ق)

مطابق تحقیقات نگارنده، در نیم قرن اخیر، براساس توجه دوباره مسلمانان به آیات مشابه، این پنج کتاب نیز، به دلیل اهمیت شان پیرامون تبیین علت اختلاف این آیات، مورد بازبینی‌های عده بسیاری قرار گرفت و در نهایت، نسخه‌های اصلاح شده و تحقیقات متعددی پیرامون آن‌ها انجام گرفته است که به طور اختصار به شرح زیر هستند:

الف) نسخه شناسی کتاب «دره التنزیل و غره التأویل فی بیان الایات المتشابهات فی کتاب الله العزیز» از ابی عبدالله خطیب اسکافی (۴۲۰ ق)

از این کتاب، تاکنون تحقیقات زیر انجام شده:

- تحقیق الشیخ عبدالمعطی السقا، یکی از دانشمندان مصری که در سال ۱۳۲۶ق یا ۱۹۰۸م توسط انتشارات السعاده مصر چاپ گردید. این تحقیق در یک جلد، بدون هیچگونه مقدمه یا تعلیق یا حاشیه‌ای از محقق آن در ۳۹۸ صفحه چاپ شده و دارای افتادگی‌هایی در برخی صفحات است (آیدین، ۲۰۰۱: ۱۷۹).

- تحقیق دوم توسط انتشارات محمد محمد مطر الوراق در مصر در سال ۱۳۲۷ ق یا ۱۹۰۹ م، چاپ شده که نقایص و افتادگی‌های تحقیق اول را تکمیل کرده است. متأسفانه پیرامون محقق آن اطلاعاتی در دست نیست (آیدین، ۲۰۰۱: ۱۸۲-۱۸۱).

- تحقیق محمد مصطفی آیدین که اولین بار در سال ۱۴۲۲ق یا ۲۰۰۱م توسط انتشارات دانشگاه ام القری مکه چاپ شد. این تحقیق در دو جلد انجام شده و حاصل رساله دکتری محقق بوده است.

ب) نسخه شناسی کتاب «البرهان فی متشابه القرآن» از محمود بن حمزه الکرمانی (۵۰۵ ق)

این کتاب، به زبان عربی است و پیرامون نام آن، اختلافات بسیاری وجود دارد. خود کرمانی در مقدمه کتاب خویش، نام اثر خویش را «البرهان فی متشابه القرآن لما فیہ من الحجۃ و البیان» نامیده (الکرمانی، ۱۴۱۸: ۳۱) اما در نسخه‌های خطی موجود، نام‌های دیگری برایش وضع گردیده است. در نسخه تیموریه نام کتاب با عنوان (البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فیہ من الحجۃ و البیان) یاد شده (کحاله، بی تا، ج ۱۲: ۱۶۸) و در نسخه کتابخانه شیخ الاسلام عارف حکمت در مدینه، (برهان القرآن لما فیہ من الحجۃ و البیان) نامیده شده است (الکرمانی، ۱۴۱۸: ۳۱). همچنین در برخی منابع که از تألیفات کرمانی یاد شده، عناوین زیر برایش نامگذاری شده است:

- «البرهان فی معانی متشابه القرآن»: در کتاب «طبقات القراء» از امام شمس الدین بن الجزری (ابن الجزری، بی تا، ج ۲: ۲۹۱).
- (البرهان فی توجیه متشابه القرآن): در کتاب «کشف الظنون» از حاجی خلیفه (حاجی خلیفه، بی تا، ج ۲: ۱۱۹۷).
- اسرار التکرار: در کتاب «اضواء البیان» از شنیطی (الشنیطی، ج ۸: ۴۸۹).
- چهار تحقیق از این کتاب تاکنون انجام شده است:
- تحقیق عبدالقادر عطا: که توسط انتشارات دارالکتب العلمیه بیروت در سال ۱۴۰۶ ق در ۲۰۵ صفحه چاپ شده است.
- تحقیق دکتر سیدالجمیلی که توسط مرکز نشر کتاب قاهره در سال ۱۴۱۵ ق چاپ شده است.
- تحقیق أحمد عز الدین عبد الله خلف توسط انتشارات دارالوفاء در سال ۱۴۱۸ ق در ۳۳۷ صفحه چاپ شده است (القاضی، ۱۴۳۰: ۲۶).
- تحقیق ناصر بن سلیمان العمر که در قالب رساله کارشناسی ارشد در دانشکده اصول الدین دانشگاه امام محمد بن سعود الاسلامیه، در سال ۱۹۸۱ م دفاع شده اما هنوز در قالب کتاب چاپ نگردیده است (الصامل، ۱۴۲۲: ۲۱).
- از میان تحقیقات مذکور، بهترین و جامع ترین تحقیق، از منظر نگارنده این نوشتار، تحقیق أحمد عز الدین عبد الله خلف است.
- ج) نسخه شناسی کتاب «ملاک التأویل القاطع بذوی الاحاد و التعطیل فی توجیه المتشابه اللفظی من ای التنزیل» از احمد بن ابراهیم بن الزبیر غرناطی (ت ۷۰۸ ق)
از این کتاب، تاکنون تحقیق‌های متعددی انجام شده که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:
 - تحقیق محمد کامل احمد که در سال ۱۹۷۹ م در قالب رساله دکتری در دانشگاه عین الشمس مصر دفاع شد و در سال ۱۹۸۵ م یا ۱۴۰۵ ق به صورت کتاب توسط انتشارات دارالنهضه العربیه بیروت چاپ شد.
 - تحقیق سعید فلاح که ابتدا به عنوان رساله دکتری وی در دانشگاه زیتونیه تونس دفاع شد و سپس توسط انتشارات دارالغرب اسلامی در سال ۱۴۰۳ ق یا ۱۹۸۳ م در دو جلد به صورت کتاب منتشر گردید.
 - تحقیق عبدالغنی محمدعلی الفاسی که در سال ۱۴۲۷ ق توسط دارالکتب العلمیه چاپ گردید.
 - تحقیق محمدفاضل السامرائی که ابتدا در قالب رساله دکتری وی دفاع شد و سپس در سال ۱۴۳۰ ق توسط انتشارات دارعمران اردن چاپ گردید.

- تحقیق ابراهیم بن عبدالعزیز الزید که به عنوان رساله کارشناسی ارشد رشته علوم بلاغت و نقد، در دانشگاه امام محمد بن سعود اسلامی دفاع شد و سپس در سال ۱۹۹۳م چاپ گردید (الجبالی، ۲۰۱۲، ج ۲: ۷-۵).
- از منظر نگارنده، از میان نسخه‌های فوق، جامع‌ترین و معتبرترین آن‌ها، تحقیق سعید فلاح است.
- (د) نسخه شناسی کتاب «کشف المعانی فی المتشابه من المثنائی» از بدرالدین جماعه (۷۳۳ق) از این کتاب، تاکنون چهار تحقیق انجام شده است:
- تحقیق عبدالجواد خلف، رئیس دانشگاه مطالعات اسلامی پاکستان که در سال ۱۴۱۰ق یا ۱۹۹۱م توسط انتشارات دارالوفاء در مصر به چاپ رسید.
- تحقیق مزروق علی ابراهیم: توسط انتشارات دارالشریف در ریاض در سال ۱۴۲۰ق چاپ شد.
- تحقیق محمدحسن محمد حسن اسماعیل: در سال ۱۴۲۸ق یا ۲۰۰۷م توسط دارالکتاب العلمیه بیروت منتشر شد.
- تحقیق عبدالغفار بدرالدین: به عنوان رساله کارشناسی ارشد در دانشگاه مدینه در ۱۴۰۱ق مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت (الجبالی، ۲۰۱۲، ج ۱: ۱۵۲-۱۵۱).
- (ه) نسخه شناسی کتاب «فتح الرحمان بکشف ما یلتبس فی القرآن» از ابی‌یحیی زکریا الانصاری (۹۲۶ق) از این کتاب، تاکنون سه تحقیق انجام شده است:
- تحقیق محمد علی الصابونی (۱۴۰۳ق)، بیروت، لبنان
- تحقیق عبدالسمیع محمد احمد حسین (۱۴۰۴ق)، دانشگاه الرياض
- تحقیق احمد السایح (۱۹۹۹م)، قاهره: مرکز کتاب النشر (الجبالی، ۲۰۱۲م، ج ۱: ۱۶۵).

۲- مترجمان کتب دسته اول

یکی از رویکردهای متأخر که عمدتاً نیز در جامعه کشورمان، قابل مشاهده هست، آثاری است که به ترجمه کتب متقدمان پرداخته و با هدف حفظ و احیای میراث گذشتگان، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این آثار را انتخاب و ترجمه نموده‌اند. از جمله این آثار که تقریباً تنها اثر یافت شده توسط نگارنده نیز هست، ترجمه کتاب خطیب اسکافی است که به عنوان پیشگام علم متشابه لفظی شناخته شده است. این ترجمه، در قالب سه رساله کارشناسی ارشد در گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد با راهنمایی محمد رضایی کرمانی انجام گرفته و پایان یافته است. متأسفانه نسخه‌های این آثار هنوز در قالب کتاب مدون، انتشار نیافته‌اند.

۳- بررسی تطبیقی یا نقد و بررسی آثار دسته اول

برخی از رویکردهای متأخر پیرامون آیات مشابه لفظی قرآن کریم، آثار کسانی است که ضمن بررسی علت اختلاف در آیات مشابه، براساس سیاق و قرائن درون متنی و برون متنی، به نقد و بررسی تحلیل های متقدمان نیز پرداخته اند. یکی از این آثار، رساله دکتری نگارنده، است که با عنوان سیاق شناسی آیات مشابه لفظی قرآن کریم، در سال ۱۳۹۴ دفاع شده و تاکنون مقالات پژوهشی متعددی نیز از آن، استخراج گردیده است. در این رساله، نگارنده به بررسی علت اختلاف آیات مشابه سور حمد و بقره پرداخته و ضمن مطالعه تقریباً تمامی آثار نگارش یافته پیرامون این آیات، به نقد و بررسی پاسخ های آن ها پرداخته ام. امید که این اثر روزی تکمیل یافته و در دسترس مخاطبان و مشتاقان قرار گیرد. برخی نیز همانند محمد رجائی أحمد الجبالی، در قالب رساله دکتری خویش در دانشگاه کوالالامپور مالزی، در سال ۲۰۱۲م، به بررسی تطبیقی نظرات یکی از محققان متقدم (یعنی غرناطی) با یکی از اندیشمندان متأخر (یعنی سامرائی) پرداخته است. او در این کتاب، ابتدا دسته بندی جامعی از این آیات انجام داده و سپس در ذیل هر یک، نمونه‌هایی را آورده و نظرات دو اندیشمند فوق را ذیل آن‌ها بررسی مقایسه‌ای کرده است. سایر آثار نگارش یافته مرتبط با این قسمت، در قسمت منابع ذکر گردیده‌اند.

نتیجه

وظیفه مورخ ادبی در نگارش «تاریخ ادبیات خوانندگان» این است که تاریخ تأویل‌ها، معناها و تفسیرهای آثار ادبی را دنبال کند، نه این که در پی کشف معای اصلی و یگانه‌ای باشد که اولین مخاطبان متن خلق کرده‌اند. بر همین اساس نوشتار حاضر در پی یک مطالعه درجه دوم پیرامون مشابهات لفظی قرآن کریم به رشته تحریر در آمد و سعی بر آن داشت که با نگاهی فرارشته‌ای، گفتمان حاکم در مورد این آیات را از همان دوران صدر اسلام تا به امروز، با کمک نظریه تاریخ ادبی هرمنوتیک، بررسی و تحلیل نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن هستند که در طول تاریخ، بسته به شرایط و مقتضیات مکانی و زمانی، افق انتظارات مردمان هر عصر و البته توانمندی‌های اندیشمندان هر دوران، رویکردها و مواجهه‌های مختلفی با آیات مشابه لفظی انجام گرفته است. نتایج حاصل از بررسی این رویکردها، عبارتند از:

- ۱- آیات مشابه قرآن کریم، از همان ابتدا مورد توجه مسلمانان بوده و بعد از تجمع و گردآوری، به تدریج بر اثر مواجهه‌های درون و برون دینی، و رویکردهای کلامی مختلف پیرامون قرآن کریم، در

نهایت، نگاهی قدسی و اعجاز گونه یافته اند طوریکه امروزه از منظر عموم مسلمانان، اعجاز بلاغی قرآن کریم از طریق این دسته از آیات یعنی آیات مشابه لفظی، شناخته و اثبات می‌گردد.

۲- توجه به سیر تحول انواع رویکردها پیرامون این آیات، نشان می‌دهد که چگونه معنا از جانب مخاطبان به متن اعطا می‌شود. از میانه قرون دوم به بعد، به خاطر فضایی جدلی میان مسلمانان و اهل کتاب، ابتدا وحیانی بودن کل این کتاب مخدوش شده و زیر سوال می‌رود اما با تلاش‌های مسلمانان برای دفاع از ساحت قرآن کریم، شبهات معاندان پاسخ داده می‌شود. سپس در طی زمان و در گذر تاریخ ادبی، بواسطه این گونه این آیات، جنبه‌های دیگر اعجاز قرآن ثابت شده و در نهایت برای استناد به اعجاز بیانی، آیات مشابه قرآن کریم، معرفی می‌گردند. این رویکرد تا به امروز نیز ادامه داشته و نگاه عامه مسلمانان از قدیم تا زمان حال را تشکیل می‌دهد.

۳- بعد از انصاری (م ۹۲۶ق)، تحقیق و تصنیفات در این حوزه متوقف شد و بجز اشاره فهرست وار در کتب علوم قرآنی، تا قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی، هیچ اثر مستقلی نگارش نیافت. فقدان آثار نگارش یافته در این دوران، شاید ناشی از رکود مسائل کلامی و مجادلات مسلمانان با سایر ادیان باشد که در این دوران، به وقوع پیوست. در یکی دو دهه اخیر، بار دیگر این گونه مباحث، رونق تازه‌ای به خود گرفته و رواجی دوباره یافته است.

از این رو با کاربری نظریه هرمنوتیک دریافت، پیرامون آیات مشابه لفظی، می‌توان انواع مواجهه‌های مختلف در ادوار گوناگون تاریخی از این آیات را بررسی نموده و خاستگاه و علت انواع این اختلافات را تحلیل کرد. البته نقد و ارزیابی هر یک از این خوانش‌ها، از گنجایش نوشتار حاضر خارج بوده و بر همین اساس به تحقیقی دیگر موقوف می‌گردد.

در یک نمودار کلی می‌توان رویکردهای مختلف نسبت به این آیات را به شکل زیر نمایش داد:



نمودار ۱-: خوانندگان آیات متشابه لفظی بر اساس نظریه تاریخ ادبی هرمنوتیک

منابع

۱. الیاری، ابراهیم، (۱۴۰۵)، الموسوعه القرآنیه، بی جا: موسسه سجل العرب
۲. آیدین، محمد مصطفی، (۲۰۰۱)، تحقیق دره التنزیل و غره التاویل، مکه: جامعه ام القرى.
۳. الاطرش، عطیه، (۱۹۹۷)، دراسات فی کتب المتشابه اللفظی، عمان: الجامعه الاردنیه.
۴. الانصاری، زکریا، (۱۹۸۳)، فتح الرحمان بکشف ما یتبس فی القران، بیروت: دارالقران الکریم
۵. الزرکشی، محمد بن عبد الله، (۱۴۰۸)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفه
۶. الزید، ابراهیم بن عبدالعزیز، (۱۴۳۰)، البلاغه القرآنیه فی الایات المتشابهات من خلال کتاب ملاک التاویل، الرياض: دارالکنوز اشبیلیا.
۷. اسعدی و همکاران، (۱۳۸۹)، آسیب شناسی جریان های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. اهوراکی، زهره، (۱۳۸۵)، حکمت تفاوت تعابیر در آیات متشابه لفظی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه قم
۹. ابن جماعه، محمد بن ابراهیم، (۱۴۲۰)، کشف المعانی فی المتشابه المثانی، السعودیه: دارالشریف.
۱۰. ابن جماعه، بدرالدین، (۱۴۱۰)، کشف المعانی فی المتشابه من المثانی، تحقیق عبدالجواد خلف، پاکستان، جامعه الدراسات الاسلامیه.
۱۱. ابن جزری، محمد بن محمد، (بی تا)، النشر فی القراءات العشر، تحقیق علی محمد الضباع، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶)، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شرکت دار الارقم بن ابی الارقم.
۱۳. ابن دقیق العید، محمد بن علی (بی تا)، احکام الاحکام شرح عمده الأحکام، بیروت: دار کتاب العلمیه.
۱۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحریر والتنویر، بی نا، بی جا.
۱۵. -----، (۱۴۲۰)، التحریر والتنویر، بیروت: مؤسسه تاریخ عربی.
۱۶. ابن عقیل الهمدانی، (۱۳۸۴)، شرح ابن عقیل، مصر: المکتبه التجاریه الکبری، چاپ: الرابعه عشره
۱۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۳۹۳)، تاویل مشکل القرآن، دار التراث.
۱۸. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۳۸۴)، مشکل القرآن، ترجمه محمد حسن بحری بیناباج، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۹۹۴)، الفهرست لابن الندیم، بیروت: دارالمعرفه.

۲۰. ابن هشام، جمال‌الدین، (۱۹۶۴)، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، تحقیق دکتر مازن مبارک و محمد علی حمد الله، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. ابوحيان اندلسی، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر
۲۲. ابوزینه، منصور محمد، (۲۰۰۲)، الحذف و الذکر فی المتشابه اللفظی، عمان: الجامعه الاردنيه، رساله ماجیستر.
۲۳. ----- و عزیز یز ی ک یا، غلامعلی و روحانی نژاد، مجتبی، (۱۳۸۵)، روش های تفسیر، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۲۴. باحویرث، تهانی بنت سالم بن أحمد، (۱۴۲۸)، أثر دلالة السياق القرآنی فی توجيه معنی المتشابه اللفظی، رساله مقدمه لنیل لدرجه الماجیستر، المملكة العربیة السعودیة: جامعه أم القرى.
۲۵. البقاعی، برهان الدین ابراهیم بن عمر، (۱۹۶۹)، نظم الدرر فی تناسب الایات و السور، القاهرة: مکتبه ابن تیمیة.
۲۶. بنت‌الشاطی، عائشه عبدالرحمان (۱۴۰۴)، الاعجاز الیانی للقران و مسائل ابن‌الازرق، القاهرة: دارالمعارف.
۲۷. توحیدلو، اکبر، (۱۳۸۹)، جمله‌شناسی قرآن: با تکیه بر تقدیم و تاخیر عبارات، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،
۲۸. التهانوی، محمدعلی بن علی، (۱۴۰۴/۱۹۸۴)، کشاف اصطلاحات الفنون، استانبول: دار قهرمان.
۲۹. الجرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، (۱۴۲۲)، أسرار البلاغۀ فی علم البیان، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۰. -----، (۱۴۲۲)، دلائل الإعجاز فی علم المعانی، بیروت: دار الکتب العلمیة
۳۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، تسنیم، قم: انتشارات اسراء.
۳۲. الجبالی، محمد رجائی أحمد، (۲۰۱۲)، توجيه المتشابه اللفظی بین الغرناطی و المسامرائی، رساله مقدمه لنیل لدرجه الدكتوراه، کوالالامپور، جامعه مالایا.
۳۳. حاجی خلیفه، بی تا، کشف الظنون، لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۳۴. حسن، عباس، (۱۹۷۳)، النحو الوافی، القاهرة: دارالمعارف.
۳۵. حسینی، بی بی زینب و رضایی کرمانی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، پژوهشی در آیات متشابه لفظی قرآن کریم، «مجله مطالعات اسلامی»، شماره ۳/۸۱.
۳۶. الخضری، محمدالامین، (۱۹۸۹)، من اسرار الحروف الجر فی القران، القاهرة: مکتبه وهبه

۳۷. خضير، محمد احمد، (۲۰۱۰)، التركيب و الدلاله و السياق، القايره: مكتبه الانجلو.
۳۸. خطيب الاسكافى، ابو عبدالله، (۱۴۲۲)، دره التنزيل و غره التأويل، تحقيق؛ محمد مصطفى آيدين، جامعه ام القرى.
۳۹. خطيب، عبدالكريم، (بى تا)، التفسير القرآنى للقرآن، بى نا.
۴۰. الزبيارى، محمدنورى صابر، (۲۰۱۴)، المتشابه اللفظى فى القران الكريم، بلاغه ايجاز الحذف، الاردن: دارمجدلاوى.
۴۱. زرقانى، محمد عبدالعظيم، (۱۹۹۰)، مناهل العرفان فى علوم القرآن، قايره: دار احياء الكتب العربيه.
۴۲. الزركشى، محمد بن عبد الله، (۱۴۱۸)، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دار المعرفه.
۴۳. الزركلى، خيرالدين، (۱۹۸۰)، الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الخامسه.
۴۴. ساروى، پريچهر (۱۳۸۴)، بررسى كتابهاى متشابه القران و شيوه نويسندگان آن‌ها، «بينات»، شماره ۴۸.
۴۵. السامرائى، محمد فاضل صالح، (۲۰۰۹)، دراسه المتشابه اللفظى من آى التنزيل فى كتاب ملاك التأويل، عمان: دار عمان، الطبعة الثانيه.
۴۶. السامرائى، ابراهيم، (۱۳۸۵)، حقائق التأويل فى متشابه التنزيل للشريف الرضى، «مجلة الكتاب العربى»، شماره ۲۰.
۴۷. السامرائى، فاضل الصالح، (۲۰۱۰)، من اسرار البيان القرانى، عمان: دارالفكر.
۴۸. -----، (۱۹۸۷)، معانى النحو، مطبعة التعليم العالى فى الموصل.
۴۹. -----، (بى تا)، الاسئله و الاجوبه المفيده فى لطائف بعض الايات، بى جا.
۵۰. سلوى، محمد العوى، (۱۴۱۹)، الوجوه و النظائر فى القرآن الكريم، بيروت: دارالشروق.
۵۱. سيد رضى، محمد بن الحسين شريف، (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، قم: هجرت.
۵۲. السيوطى، جلال الدين، (۱۴۲۱)، الاتقان فى علوم القرآن، بيروت: دار ابن كثير.
۵۳. -----، (۲۰۰۰)، ترتيب سور القرآن، بيروت: دار و مكتبة الهلال.
۵۴. الششرى:الح عبدالله محمد، (۱۴۲۲)، المتشابه اللفظى فى القران و اسراره بلاغيه، رساله مقدمه لنيل لدرجه الدكتوراه، رياض:كلية الملك خالد العسكريه.
۵۵. الشتيوى، محمد، (۲۰۱۱)، التغيير الدلالى و اثره فى فهم النص القرانى، بيروت: لبنان.
۵۶. صالح، لبيب محمد جبران، (۲۰۰۹)، المتشابه اللفظى فى القران، دراسه مقارنه بين الاسكافى و الغرناطى، عمان: دارالفاروق.

۵۷. الصامل، محمدبن علی بن محمد، (۱۴۲۲)، من بلاغه المتشابه اللفظی فی القرآن الکریم، الرياض: دار اشبیلیا.
۵۸. الصدر، محمد باقر، (۱۹۸۷)، دروس فی الاصول، بیروت: انتشارات دارالکتب اللبنانی.
۵۹. عدنان، محمد زرزور، (بی تا): متشابه القرآن دراسة موضوعیة، دمشق، مکتبه دار الفتح،
۶۰. عوض، احمد عبده، (۲۰۱۰)، المحکمات و المتشابهات فی القرآن، القاہرہ، دارالحرم بالتراث
۶۱. الغرناطی، ابن زبیر، (۱۴۰۵)، ملاک التاویل، بیروت: دارالنہضه العربیہ.
۶۲. فتاحی زاده، فتحیہ، (۱۳۸۷)، حکمت اختلاف فعلی آیات متشابه لفظی، «مجله تحقیقات علوم قران و حدیث»، شماره اول.
۶۳. فتوحی رود معجنی، محمود، (۱۳۸۷)، نظریه تاریخ ادبیات، تهران: سخن.
۶۴. ----- و وفایی، محمد افشین، (۱۳۸۸)، مخاطب شناسی حافظ در سده های هشتم و نهم هجری بر اساس رویکرد تاریخ ادبی هرمنوتیک، فصلنامه پژوهشی نقد ادبی، سال دوم، شماره ۱۲۶: ۶-۷۱.
۶۵. القاضي، محمد محمود، (۱۴۳۰)، المتشابه اللفظی فی القرآن، القاہرہ: جامعہ حلوان.
۶۶. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت
۶۷. الکرمانی، محمود بن حمزه، (۱۴۱۸)، البرهان فی متشابه القرآن، المنصوره: دار الوفاء چاپ: دوم.
۶۸. -----، (بی تا)، اسرار التکرار، دار الوفاء.
۶۹. الکلاس: لاح الدین الخلیل، (۲۰۰۱)، المتشابه فی فهم القرآن، دارالبشائر.
۷۰. لاشین، عبدالفتاح، (۱۴۰۳)، من اسرار التعبير القرانی، شرکه مکتبات عکاظ .
۷۱. محققیان، زهرا، (۱۳۹۴)، سیاق شناسی آیات متشابه لفظی قرآن کریم: مورد مطالعه سور حمد و بقره، دانشگاه اصفهان، رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث.
۷۲. ----- و همکاران، (۱۳۹۵)، چگونگی کارکرد انواع قرائن سیاقی در تفسیر آیات متشابه لفظی، دانشگاه پیام نور کاشان: مجله پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۷.
۷۳. -----، (۱۳۹۴)، نقش و کارکرد علم سیاق و دانش لغت در بازنگری آیات متشابه لفظی، دانشگاه اصفهان: مجله علمی پژوهشی پژوهش های زبانشناختی قرآن کریم، سال سوم، شماره اول: ص ۹۳-۱۱۴.
۷۴. معرفت، محمد هادی، (۱۳۰۹)، التمهید، قم: تمهید
۷۵. -----، (۱۳۸۴)، علوم قرآنی، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تمهید.

۷۶. مشاهره، مشهور، (۱۱۱۴)، المتشابه اللفظی فی القرآن الکریم (دراسه نقدیه بلاغیه)، اردن: عالم الکتب الحدیث.

۷۷. المطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد، (۱۴۱۳)، خصائص التعبير القرانی و سماته البلاغیه، القاهره: مکتبه وهبه.

۷۸. مقاتل بن سلیمان، بلخی، (۱۳۸۱)، الاشباه و النظائر فی القرآن الکریم (کلمات مشترک و هم معنا در قرآن کریم)، ترجمه محمد روحانی، محمدعلوی مقدم، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

۷۹. نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۷)، یائوس و ایزر: نظریه دریافت، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره اول: ۹۳-۱۱۰.

۸۰. واعظی، احمد، (۱۳۹۰)، نظریه تفسیر متن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۸۱. الهمذانی، عبد الجبار بن احمد، بی تا، متشابه القرآن، القاهره: مکتبه دارالتراث.

۸۲. یاسین، خلیل، (۱۳۸۸)، اضواء علی متشابهات القرآن، بیروت.

83. Harland, Richard. (1999) :literary Theory from Plato to Barthes: An Introductory History . London.

84. Sinai, Nicolai (2010), *The Qur'an as Process* , printed in (The Qur'an in Context: Texts and Studies on the Qur'an), Edited by Angelika Neuwirth Nicolai Sinai Michael Marx , LEIDEN : BOSTON , V 6, p 407-441.

85. Witztum ,Joseph. Variant Traditions, Relative Chronology, and the Study of Intra-Quranic Parallels, printrd in (Islamic History and Civilization), Edited by Hinrich Biesterfeldt , Sebastian Gunther & Wadad Kadi, LEIDEN : BOSTON , V114, p 1-50.